

اوضاع کشور در متن اوضاع جهانی

9

وظائف ما

ایدیولوژی علمی پرولتاریا (مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسیسم) یک حقیقت عام و جهان شمول است که پایه فلسفی آنرا ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی یعنی حقیقت مادی - ماده در حال حرکت و تکامل تشکیل می دهد. حقیقت ماده وحدت اضداد است که بر قانون وحدت و مبارزه اضداد در طبیعت جامه و تفکر انسانی متکی بوده که وحدت اضداد نسبی و مبارزه مطلق می باشد. این علم در پراتیک مبارزه طبقاتی - مبارزه تولیدی و آزمون های علمی بوجود آمده و تکامل یافته و امروز به یک واحد کل مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسیسم ارتقا نموده و جهان شمول می باشد.

این علم از مارکسیسم به مارکسیسم - لنینیسم و بنابر مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسیسم تکامل نموده است. توسط همین علم، شناخت حسی از جهان به شناخت عقلی بالا برده شده و از طریق انقلاب و دیگرگونی آنرا تدبیر می دهند. کاربرد انقلابی این علم و مبارزه علیه هر نوع انحرافات است که این ایدیولوژی را به مرحله بالاتری ارتقا می دهد. البته شالوده این علم توسط کارل مارکس ریخته شده و ولادیمیر ایلیچ لنین آنرا به مرحله عالیتری تکامل داده و صدر مائوتسه دول آنرا به بلندترین فله ارتقا داده است.

مبارزه سیاسی و مشی استراتژیک این ایدیولوژی جهان شمول و انقلاب جهانی پرولتری تابع دو مولفه است: در کشور های تحت سلطه مانند کشور ما - براه انداختن انقلاب دموکراسی نوین تحت رهبری پرولتاریا با سرنگونی فئودالیسم، سرمایه داری بوروکرات کمپرادور و امپریالیسم توسط جنگ خلق - جنگ توده ای طولانی، محاصره شهر ها از طریق دهات، تا پیروزی انقلاب دیموکراتیک طراز نوین به مرحله گذار به انقلاب سوسیالیستی و ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا بخاطر رسیدن به هدف نهائی یعنی کمونیسم جهانی می باشد (که البته ادامه انقلاب، ادامه همان انقلابات می در پی فرهنگی تحت دیکتاتوری پرولتاریا می باشد که صدر مائوتسه دول اولین انقلاب بزرگ فرهنگی چین را به پیروزی رساند). مولفه دوم در کشور های امپریالیستی انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا و متحدینش تحت رهبری حزب کمونیست توسط جنگ خلق از طریق قیام های شهری آغاز و بطرف روستا ها گسترش می یابد.

بخاطر بکار بست این ایدیولوژی در کشورهای تحت سلطه (مستعمره - نیمه مستعمره و نیمه فئودالی) به سه سلاح - معجزه آسای انقلابی ضرورت است. (حزب - ارتش توده ای و جبهه متحد ملی) که منجمه حزب کمونیست اولین سلاح است که دسترسی به آن میتوان ارتش توده ای و جبهه متحد را ایجاد و انقلاب را رهبری می کند. هرگز وقتیکه بعد از جنگ دوم جهانی اضلاع متحد امریکا مدعی یک قدرت بزرگ امپریالیستی یعنی ابر قدرت وارد صحنه جهانی شد. تضادهای امپریالیستی نیز وارد تظاهرات بزرگ گردید. به تعقیب کودتای سال ۱۹۵۶ م رویزونیست های خروشجقی در اتحاد شوروی سوسیالیستی دولت دیکتاتوری پرولتاریا را سرنگون، قدرت را تصاحب و دیکتاتوری بورژوازی را بجای دیکتاتوری پرولتاریا اعمار و تحکیم می بخشند. اتحاد شوروی رویزونیستی با گرفتن سهم بزرگ در

تقسیم جهان و صدور سرمایه نو خاسته به بازارهای مختلف آن و رشد ملیتارسیسم به يك کشور سوسیال - امپریالیستی مبدل گشته و منحصراً يك ابرقدرت امپریالیستی در برابر امپریالیسم امریکا قد علم می کند.

حزب کمونیست چین برهبری مائوتسه دون کبیر علیه ریزوئیست های خروشجفی که از تیوری نیروهای مولده بدفاع برخاسته بودند و تضاد طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا را در دوران سوسیالیزم رد کرده و شمارهای همزیستی مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز، رقابت مسالمت آمیز و انقلابات ریفورمستی و دولت عموم خلقی را سر می دادند، شدیداً مبارزه نمود و این مبارزه جهان شمول را به پیش بردند و همچنان مبارزه علیه رهبران سرمایه داری که در رهبری حزب کمونیست چین لانه کرده بودند که پیروزی انقلاب بزرگ فرهنگی در چین يك موقعیت بزرگ برای مائوتسه دون و جنبش جهانی پرولتری بود.

این دست آورد بزرگ به اثبات رساند که تضاد طبقاتی در جامعه سوسیالیستی کماکان وجود دارد. جامعه سوسیالیستی نه با رشد نیروهای مولده و مدراتیزاسیون تکامل می کند، بلکه جامعه سوسیالیستی يك مرحله گذار از سرمایه داری بطرف کمونیسم جهانی بوده و با انقلاب پی در پی فرهنگی در طولانی مدت تحت دیکتاتوری پرولتاریا با سرنگونی امپریالیزم جهانی تحقق می یابد. این تحول بزرگ در علم انقلاب مارکسیسم - لنینیسم و تکامل آن به م - ن - م جهانی در کشور مائیز تاثیرات بزرگی خود را بجا گذاشت.

در سال ۱۹۳۳ م اولین هسته تشکیلاتی انقلابی بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون (اکنون مائوتیسم) در دوران سلطه ظاهر شاهی به نام سازمان جوانان مترقی تحت رهبری رفیق اگریم یاری شهید پایه به عرصه وجود گذاشت. ولی این سازمان نتوانست ایدیولوژی علمی پرولتاریا را استحکام بخشد که در نتیجه در يك مدت خیلی کوتاه دچار انحرافات گوناگون شده و بالاخره در سال (۱۹۷۲ م) انحلال خود را اعلام می کند. سازمان ها و گروههایی که از بقایای جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) که سازمان جوانان مترقی آنها رهبری می کرد، بوجود آمدند، این سازمان ها که برخی آنها به انحرافات مشی مستقل ملی، طرح جبهه وی، اوانتوریسم، ساتریسم و برخی آنها به خوجه ایسم، اکونومیسم و تیوری سه جهانی دن سیاوپنگ دچار گردیده بودند، هیچ کدام آنان نتوانستند خط صحیح انقلابی را ارائه دهند. سازمان پیکار برای نجات افغانستان که در دسامبر ۱۹۷۹ م از محافل و گروه های جریان دموکراتیک نوین که به اندیشه مائوتسه دون وفادار مانده بودند ایجاد شد ولی این سازمان هم که فاقد يك خط مدون صحیح بود نتوانست با تأمین وحدت جنبش کمونیستی حزب را ایجاد و انقلاب را رهبری نمایند.

در سال ۱۹۷۶ م بعد از مرگ مائوتسه دون کبیر، دن سیاوپنگ و هواکوپنگ موافق گردیدند طی کودتای دیکتاتوری پرولتاریا را در چین سوسیالیستی سرنگون و با اعمار دیکتاتوری بورژوازی قدرت را غصب نمودند جنبش پرولتری جهانی تا حدی فروکش کرد درین بحبوحه اتخاذ مواضع دشمنانه گمارویزولیستی خوجه علیه مائوتیسم نیز درین فروکش تاثیرات منفی و خائنانه را بجا گذاشت بحرانی که از اوایل دهه ۷۰ دامنگیری سیستم امپریالیستی گردید در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ تضاد بین دو بلوک امپریالیستی یعنی بلوک شرق تحت رهبری سوسیال امپریالیزم روس و بلوک غرب تحت رهبری امپریالیزم امریکا که ناشی از انارشی تولید امپریالیزم جهانی بود حاد و عمده گردید. تقسیم جهان که در جنگ دوم جهانی صورت گرفته بود به منظور بدست آوردن سود سرمایه مالی برای امپریالیزم جهانی

درین دهه
برای است
لال شود
رکن امر
ایوان

کافی دیده نمیشد، بنه‌ا بغاطر دست یابی به بازارهای نوین جهانی هر کدام این بلوک‌ها به طرح استراتژیک نوین دست میزنند و سوسیال امپریالیزم روس جهت رسیدن به آبهای گرم هند و از آنجا به خلیج فارس و ممالک پامیک جنوب شرق آسیا دست به یك تجاوز نظامی وسیع در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ بر کشورما میزند که این تجاوز با کودتای ننگین اپریل ۱۹۷۸ م آغاز شده بود.

« حزب دموکراتیک خلق افغانستان » (باند خلق و پرچم) این مزدوران و نماینده گان بودژوازی پروکرات؛ کمپرادور وابسته به سوسیال - امپریالیزم روس به سریر قدرت نشاند می شوند. و این دشمنان سوگند خورده خلق هموطنان انقلابی و ملی ما را به قتل میرسانند، خلق ستم دیده را دسته جمعی به گور می سپارند، کشور را تاراج و اولین تیر کمان خود را به سینه های اعضای جریان دموکراتیک نوین فرو می برند؛

قیام ملی و مردمی خود جوش در سرتاسر کشور علیه تجاوز سوسیال امپریالیزم روس و نوکران کمپرادوری « خلق » و پرچم « آغاز می شود. ولی جنبش کمونیستی کشور طوریکه در بالا گفته شد نتوانست خط صحیح انقلاب را تدوین نماید تا می توانست این قیام خود روی توده ها را رهبری یعنی حزب کمونیست انقلابی را توأم با تدارک جنگ خلق ایجاد و انقلاب دموکراسی نوین را به مثابه گنار به سوسیالیزم و کمونیسم جهانی به پیروزی رساند.

و اما نیرو های ارتجاعی اسلامیست با دید قرون وسطائی - این نماینده گان فیودال - کمپرادور وابسته به امپریالیزم بلوک غرب تحت رهبری سیاه امریکا در کشورهای ارتجاعی پاکستان و ایران تحت نظارت سازمان جاسوسی ای ISI پاکستان و دستگاه جاسوسی ایران سرهم بندی شده و تا به دندان مسلح می شوند و با شعار جنگ اسلام علیه کمونیسم به کشور اعزام و بالاخره رهبری این جنگ مقاومت ضد تجاوز سوسیال - امپریالیزم روس را غصب می نمایند و جنگ مقاومت، به منظور تامین اهداف استراتژیک امپریالیزم غرب تغییر ماهیت می کند.

درین برهه زمانی است که سوسیال - امپریالیزم روس اندک از درون پوسیده می شود که نزدیک به انفجار بود و هم تضاد بین دو بلوک امپریالیستی بعدی حاد و عمده شده بود که هر آن آغاز جنگ سوم جهانی متحمل میگردید. چنانچه (جا آ) در بیانیه سال ۱۹۸۴ م گفت « امروز جهان در آستانه رویداد های خطیری قرار دارد. بحران سیستم امپریالیستی بسرعت خطر بروز یك جنگ جدید یعنی جنگ جهانی سوم و در کنار آن دورنمای واقعی انقلاب در کشور های سراسر جهان را به همراه می آورد » ولی هر دو ابرقدرت امپریالیستی بنا بر داشتن ذخایر اقتصادی - سیاسی و نظامی و بطور انحصار موجودیت زراد خانه های اتومی بغاطر جلوگیری از جنگ سوم جهانی حاضر به یك تبانی به سطح جهانی گردینند. معامله ریکجاویك بین ریگن و گرباچوف الهام دهنده این تبانی بود. انعکاسات تبانی در سطح جهانی تاثیرات خود را بر کشور ما بجا گذاشت - مشی مصالح ملی، خروج نیروهای متجاوز از کشور، جنگ بندی و ایجاد یك دولت به اصطلاح به پایه وسیع در معامله ننگین ژینو مطرح گردید. ازینکه تبانی نسبی و موقت و تضاد مطلق است، چنانچه صدر مائوتسه دون گفت « بدین سبب است که ما می گوئیم وحدت اضداد مشروط، موقتی و نسبی است ولی مبارزه اضداد دائم یکدیگر مطلق است » ص ۵۱۸ جلد اول منتخب آثار مائو چاپ پکن.

چون در هر تبانی تضاد وجود دارد، بنا همین تضاد بود که دو بلوک امپریالیستی نتوانستند کل مسایل مطروحه ژینو را بمرصه اجرا بکنارند و در کشور یك دولت واحدی را که منافع هر دو جهت را تأمین نماید تشکیل دهند، و همانا

به کشور دو ائتلاف بخاطر ایجاد دولت پوشالی از شمال و جنوب اعزام میگردیدند، ائتلاف شمال تحت رهبری مسعود - ربانی که امپریالیزم روس از آن حمایت میکرد قدرت دولتی را در کابل تصاحب میکند. ائتلاف جنوب که در آن حزب اسلامی گلبدین عمده گئی داشت برای تأمین منافع امپریالیزم غرب نتوانست سلطه خود را در کابل بعیث يك دولت متمرکز تأمین کند. بناً توسط ائتلاف شمال از شهر بیرون رانده شده و یکبار دیگر بین نیروهای متضاد فیودال - کمپرادوری وابسته به امپریالیزم غرب و شرق جنگ در میگیرد. درین جنگ وحشت بار و جنایت کارانه ارتجاعی امپریالیسم به تضادهای ملی و مذهبی نیز دامن می زند. از شوونیسم ملت پشتون امپریالیزم غرب و از ناسیونالیزم ملت های اقلیت تحت ستم امپریالیزم روس حمایت می نماید و جنگ برای مدت چار الی پنج سال دوام می کند، مهاجرت ها یکبار دیگر به کشورهای همسایه و سایر کشور ها آغاز می شود و شهر کابل به يك مخروبه تبدیل و ده ها هزار مردم ستم دیده کابل به خاک و خون کشیده می شوند.

در آستانه سال های ۱۹۸۰ م بخشی از جنبش کمونیستی کشور ما که از ضربات پی در پی رژیم های مزدور جان به سلامت برده بودند عمداً به کشور پاکستان و بعضاً به ایران مهاجرت نموده و به فعالیت های انقلابی خویش ادامه می دادند.

درین برهه زمانی در سطح جهانی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی احزاب و سازمانهای انقلابی طی دومین کنفرانس در سال ۱۹۸۴ م دائیر و بیاتیه را به تصویب رسانند و بدین وسیله هسته جنبش انترناسیونالیستی مائولیستی در جهان تحت نام جنبش انقلابی انترناسیونالیستی پایه گذاری شد.

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (ج آ آ) در جمع بندی تکاملات ایدیالوژیک - سیاسی پرولتاریا در سطح جهانی خدمات بزرگ دومف ناپذیر را انجام داد از جمله ترسیم خط پایه ای جنبش کمونیستی جهانی که در بیاتیه مصوب کنفرانس ۱۹۸۴ م بیان گردیده و همچنان سدد زنده باد م - ل - م که در سال ۱۹۹۳ م بتصویب رسید. این دو سند خدمات عظیم و بزرگ در راه رسمیت بخشیدن به م - ل - م به مثابه یگانه ایدیالوژی پرولتاریای جهان انجام داد.

حزب کمونیست انقلابی آمریکا، آغاز جنگ خلق در پرو تحت رهبری حزب کمونیست پرو و غیره در رشد و تکامل ایدیالوژیک - سیاسی احزاب و سازمانهای پرولتاری جهانی خدمات مزید نمود. چنانچه در بیاتیه گفته شد « تکامل جنبش بین الامای کمونیستی در پروسه تحکیم بیش از پیش وحدت و ارتقاء بیش از پیش اصول علمی م - ل - م به پیش رفته است» جنبش کمونیستی کشور ما ازین انکشافات پرولتاریای جهانی (ج آ آ) بهره مند شد، و توانست گام های بزرگی را در ارتقا و وحدت ایدیالوژیک - سیاسی جنبش به جلو بردارد.

در کنفرانس ۱۹۹۳ سازمان پیکار برای نجات افغانستان با نقد مواضع انحرافی ایدیالوژیک - سیاسی گذشته و طرد عناصر نا باب و اعتقاد راسخ بر مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون قدمی بزرگی در مسیر وحدت جنبش کمونیستی کشور به پیش نهاد؛ با محفل جوانان مترقی و مبارزین راه آزادی مردم که با اتخاذ خط ایدیالوژیک - سیاسی مارکسیستی - لنینیستی - اندیشه مائوتسه دون از خط انحرافی (ساما) بریده بودند راه وحدت را به پیش گرفته و تحت يك پلتفرم ایدیالوژیک سیاسی (مارکسیست - لنینیست - مائولیست) کمیته وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائولیستی) را بمنظور ایجاد حزب کمونیست واقعی تشکیل و کار برنامه ریزی را بدین

منظور به پیش برد. حزب کمونیست افغانستان نیز تحت تاثیر جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از هسته کمونیستهای انقلابی با املاي بخش مائوتسه دون اندیشه، سازمان کمونیستهای انقلابی را ایجاد و بعداً به حزب کمونیست افغانستان در سال ۱۹۹۱ م ارتقا نمود.

کمیته وحدت جنبش کمونیستی (مارکسیست - لنینیست - مائولنیست) با وجود اشتباهات دکماتستی و پاسیفیستی که در مدت کارش مرتکب شده نتوانست این پروسه وحدت را تسریع بخشد. ولی با وجود این کمبودات کمیته توانست سند (مارکسیسم - لنینیسم - مائولنیسم) را به عوض (مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون) بعیث علم انقلاب امروز طی لشست تاریخی ۹۴ - ۱۰ - ۲۲ تصویب و جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جآآ) را بعیث یگانه هسته و بنیاد انترناسیونال نوین مارکسیستی - لنینیستی - مائولنیستی رسماً تأیید و خواستار رابطه منظم و سیستماتیک را به آن (جآآ) گردید. با اتخاذ مواضع فوق و هم یاری بیدریغ (جآآ) کمیته توانست که پروسه وحدت جنبش کمونیستی کشور را گسترش داده و با حزب کمونیست افغانستان تحت پلاتفورم جدید پروسه وحدت را آغاز نمود. بعداً اتحاد انقلابی کارگران افغانستان طی اعلامیه به این پروسه پیوست. بعد از فروپاشی سوسیال - امپریالیزم روس در سطح جهانی و منطقه تضاد میان امپریالیزم جهانی تا حدی تخفیف یافت ولی تضاد بین خلق هان تحت ستم و امپریالیزم شدت می یابد. خصوصاً با اعلان تبلیغات دروغین و خائنانانه امپریالیزم جهانی در راس امریکا از قبیل: شکست کمولیسیم و تامین (فظم نوین جهانی) هر کز نتوانست خلق های تحت ستم و ستم دیده جهان را فریب دهند.

مگر کینه و انزجار خلق های ستم کش را در مقابل امپریالیزم جهانی تحت رهبری امریکا چند برابر ساخت. جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست نیپال مائولنیست که رفیق پراچاندا را هدایت می کند و موفق گردید پایگاه های سرخ مائولنیستی را در نیپال هرچه بیشتر گسترش دهد.

حفت تضاد و تبانی بین امپریالیزم جهانی خصوصاً اضلا متحده امریکا و روس نمی تواند رقابت را زدوده سازد چرا که این تبانی میان آنها بر رقابت بنا یافته است. رقابت میان روس و امریکا جهت به اسارت کشیدن کشورهای آسیائی میانه و غارت هر چه بیشتر منابع طبیعی نفت و گاز این کشور ها کماکان جریان دارد. کشور ما که مقام معبر استراتژیک آسیای جنوبی و میانه را تشکیل می دهد بنأء امپریالیزم امریکا بخاطر رسیدن به منابع سرشار آسیائی میانه و حوضه دریای خزر ثبات و صلح امپریالیستی را در منطقه و خاصناً درین کشور خواستار می باشد. ازینکه ائتلاف نیروهای فیودال - کمپرادوری عمدتاً حزب اسلامی گلبدین وابسته به امپریالیزم غرب در راس امریکا نتوانسته بود يك دولت مرکزی باثبات را بوجود آورد بنأء امپریالیزم امریکا در صدد افتاد تا بدیلی را بجای نیروهای ارتجاعی تنظیمی که نتوانسته باشد این ارمانش را برآورده سازد سرهمبندی نمود. این بدیل همان مرتجع ترین نیروهای فیودال کمپرادوری شریعت محمدی قرون وسطائی طالبی بودند که بخاطر شکنجه، ارعاب، سرکوب زن ستیزی و گروگان گیری توده های وسیع مردم ما به شکل يك ترازیدی از طریق کشور ارتجاعی پاکستان بر خلق های کشور ما با پشتیبانی وسیع نیروهای لژیون عربی، پاکستانی، چینیایی، ازبکی وغیره تحمیل گردیدند و همپندان سازمان القاعده که در راس آن اسامه بن لادن، قهرمان ریگن قرار داشت به کمک آنها کسپیل و در سال ۱۹۹۶ م کابل را اشغال نمود. چرا می گوئیم قهرمان ریگن؟ این بخاطر است که اسامه بن لادن در زمان جنگ «اسلام با کمولیسیم» برای «جهاد» از طرف ریگن ریس جمهور

وقت امریکا به افغانستان اعزام شده بود. نیروهای وابسته به امپریالیزم روس بنام اتحاد شمال بخاطر تأمین منافع امپریالیزم روس بنام «دفاع از میهن» علیه طالبان و القاعده بجنگ خود ادامه دادند؛ عمدتاً انزجار و نفرت هرچه بیشتر مردم کشور ما علیه نیروهای جنایت کارانه قرون وسطائی آنقدر بالا رفته بود که این نیروهای امریمنی هرگز نمی توانستند بر آن ها حکومت نماید و صلح و ثبات امپریالیستی را به نفع امپریالیزم امریکا تأمین بدارند.

چنانچه ما شاهد هستیم که امپریالیزم خاصاً امپریالیزم امریکا چندین مرتبه نیروهای مزدور فئودال کمپرادوری خود را در کشور ما عوض کرده اند. ولی موفق نشدند به اهداف ستراتیژیک خویش در منطقه (آسیای میانه و حوضه خنزر دست رسی پیدا نماید بالاخره تصمیم گرفت که این معبر ستراتیژیک به آسیای میانه را مستقیماً توسط نیروهای نظامی خود و متحدینش تحت کنترل داشته باشد. چنانچه تجاوز مستقیم امریکا با متحدش انگلستان بتاريخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ شاهد این مدعاست که به بهانه حمله علیه تروریسم طالب و القاعده آنرا آغاز کرد.

حالا نظر کوتاهی به منطقه آسیای میانه و دریای خنزر می اندازیم.

آسیای میانه ساحه است بین دریای بالخاش و اودال این کشور تاریخی بود که در قرن ۱۵ ازبک ها در آن مسلط شده و امارت های بخارا، خیوه و خوقند را تشکیل دادند، ولی دولت تزاری روس با حملات پی در پی این امارات را تا دریای آمو تحت اشغال خود در آورد. بعد از پیروزی انقلاب اکتوبر درین منطقه جمهوریت های شوروی سوسیالیستی از قبیل قازاقستان، تاجکستان، ازبکستان، قرغزستان و ترکمنستان تاسیس گردید و این ملت ها با حقوق مساوی فارغ از ستم ملی در آن میزسینند. ولی بعد از سرنگونی دیکتاتوری پرولتاریا در کشور سوسیالیستی شوروی توسط باند خروشوف این جمهوریت های آسیای میانه یکبار دیگر تحت ستم شونیسم ملت روس قرار گرفتند و منابع تولیدی خاصتاً طبیعی این جمهوریت ها در انحصار دولت سوسیال امپریالیزم روس در می آید. بعد از فروپاشی سوسیال امپریالیسم روس این جمهوریت ها به کشور های نیمه مستقل تحت سلطه امپریالیسم روس و سایر کشورهای امپریالیستی غرب تبدیل میشوند.

و اما زمانیکه روس های تزاری آسیای میانه را تصرف نمودند حوضه خنزر بین دو کشور یعنی کشور تزار روس و ایران تقسیم شد. دریای خنزر ۳۴۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد قرار اماریکه از اطلاعات جمعی امپریالیستی بدست آمده صرف حدود ۷ در صد ذخائر نفت و گاز درین منطقه تحت مراقبت و ارزیابی قرار گرفته که ذخیره ۷۰ در صد آن به پیمانه ۷۵۰ میلیون تن نفت و ۸۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی دارد. حالا دلچسپی بزرگ امپریالیسم جهانی خاصتاً امپریالیسم امریکا و روس در رابطه به این ذخائر بزرگ نفتی این منطقه چیست؟ دلچسپی اینست که کنسروم های بزرگ نفت و گاز امپریالیسم در تدارک استخراج، تصفیه و انتقال آن به کشورهای خودی بوده و یا اینکه این مواد ارزان را به مارکیت های جهان در برابر بدست آوردن سود اعظمی صادر می نمایند. قبل از فروپاشی اتحاد شوروی در حوضه خنزر دو کشور، روسیه و ایران سهم بودند که روسیه سهم بزرگی درین حوضه داشت و سهم ایران خیلی کمتر از آن بود. مگر بعد از فروپاشی سوسیال امپریالیسم روس، سه کشور نو استقلال یافته از قبیل قازاقستان ازبکستان و ترکمنستان نیز درین حوضه سهم گردیدند.

کشورهای آمریکا، چین، کشورهای اروپایی، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، ازبایجان و ایران در شهر دوشنبه ترکمنستان درین اواخر دایز شد. در آن طرحی ارائه گردید که ۴۹ درصد به سه کشور های دیگر یعنی ترکمنستان، ازبایجان و ایران مربوط شود.

امپریالیسم امریکایی این امپریالیسم قلندر و گردن کلفت در اوایل دهه ۹۰ گفته بود:

ما باید نفت را عمدتاً از خلیج فارس و دریای خزر بدست بیاوریم و درین مورد با روس چندین مشکلی نداریم میتوان نفت دریای خزر از طریق روسیه به غرب انتقال داده شود. که البته این امتیاز منطقی بود که آمریکا به روس قایل میشد.

ولی کشور های نو وارد در دریای خزر خواهان استقلال نسبی در نفت و گاز خود در برابر روسیه شدند. ولی روسیه که با استقلال نسبی این کشور ها موافق نبود. اتحادیه کشور ها مشترک المنافع را با این جمهوریت ها طی کنفرانسی پایه ریزی کرد تا توانسته باشد این کشور ها را نگذارد بدون در نظر گرفتن منافع روس با کشور های غرب قرارداد های در باره نفت و گاز ببندند.

اواخر سال ۲۰۰۱ در باره انتقال نفت از دریای خزر به غرب يك اتحادیه که در آن ازبایجان، ترکیه، گرجستان که رئیس جمهور آمریکا کلنتن نیز به ازبایجان و گرجستان سفر نموده بود طی گرد هم آیی رسای جمهور این کشور ها فیصله بعمل آمد که نفت دریای خزر مربوط ازبایجان از راه گرجستان و ترکیه به غرب منتقل شود. روسیه و ایران که ازین مسیر خارج ساخته شده بودند به این طرح جداً مخالفت نمودند. ترکمنستان در مورد انتقال گاز خود به اصطلاح موضع بیطرفی را به احتیاط در پیش گرفت و او طرح دیگری را با افغانستان و پاکستان در میان گذاشت تا گاز ترکمنستان از شهر دولت آباد این کشور از طریق افغانستان توسط يك لوله گاز ۱۵۰۰ کیلو متری به پاکستان انتقال داده شود. شرکت یونیکال امریکایی که این پروژه را میخواست به سرمایه گذاری بالاتر از دو میلیارد دلار به کار اندازد در حاکمیت طالبان بنا بر نبودن شرایط مساعد امنیتی در افغانستان کار را به تعویق انداخت.

این طرحات گوناگون و بر خورد های متفاوت امپریالیسم جهانی در استفاده از منابع نفت و گاز دریای خزر است که از موقف های تبانی تضاد امپریالیسم جهانی خاصاً آمریکا و روس در منطقه ناشی میشود.

مائوتسه دون میگوید: امپریالیسم کارد سلاخی خود را هیچ وقت بزمین نمیگذارد ولی ولف هم در اثر بنام (مدخلی بر علم انقلاب) گفته «... مضاف بر این تدابیر اتخاذ شده توسط امپریالیست ها جهت تشدید فوق استثمار ملل تحت ستم، خود به ابعاد خویش مبدل میشود همان گونه که در مورد برازیل شرح دادیم» و از طرح پیش نویسی «اصول پایه ای» ارائه شده توسط حزب کمونیست انقلابی شیلی و حزب کمونیست انقلابی آمریکا در سال ۱۹۸۱ چنین نقل میکند: «این يك شمشیر دولبه در دست امپریالیست ها است: «پس از حد معینی، ورشکستگی بسیاری ازین کشور ها و یا قرار گرفتن آنها در مرز ورشکستگی تهدیدی میشود برای کل ساختار مالی خود امپریالیست ها، علاوه بر این رنج روز افزون بخش های گسترده از توده ها به شورش های قدرتمندی منجر میشود اما علیرغم همه اینها امپریالیست ها به هیچ وجه نمیتوانند این شمشیر را بدور افکنند» (اصول پایه ای ص ۱۰ پاراگراف ۵۰)

وقتی که می بینیم امپریالیست ها از يك طرف در نتیجه قناعت برسود معینه خویش در مناطق مختلف جهان در

تبیانی قرار میگیرند و پس از آنکه در يك ورشکستگی مزید سرمایه مالی و در برابر شورشهای توده های وسیع رنج دیده در می غلطند باز هم کارد سلاخی دوله را بر زمین نمیگذارند یعنی هم بر رقیب امپریالیستی اش و هم علیه توده های وسیع ستم دیده حمله ور میشوند.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر که ضربه محکمی بر پیکر امپریالیسم جهانی خاصاً آمریکا وارد آمد معلوم نشد که پشت سر این حمله کیها قرار داشتند ولی پاسخی بود در برابر اعمال جنایت کارانه امپریالیسم آمریکا و متعین اش که علیه خلق های ستم دیده جهان در گذشته و حال انجام داده است: مانند جنایاتی را که در جنگ دوح جهانی با ریختن بم های اتومی در شهر های یوریشما و نگاساکی انجام داد، حمله وحشیانه بر خلق کره تجاوز بر کشور ویتنام و کمبوج و شکست فاحشی که در آنجا متحمل شد و جنایت عظیمی را در اشدال گرینادا، در جنگ خلیج فارس و حمله بر عراق حملات هوایی وسیع با بمبستنی اتحادیه اروپا و ناتو بر یوگسلاویه و جنگ در بوسنیا مرتکب شد.

باز هم امپریالیسم آمریکا و متحدینش منتظر یورش عظیم پرولتاریای کشور های سرمایه داری امپریالیستی و خلق های ستم دیده کشور های تحت سلطه باشد.

امروز که امپریالیسم جهانی تحت قوماندۀ اخلاص متحده آمریکا به بهانه جنگ علیه تروریسم طالب و القاعده که خود این تشکیلات تروریستی را سر همبندی و جهان خلق های ما انداخته بودند حمله وسیعی را بر کشور ما براه انداخته این به منظور حضور نظامی مستقیم آمریکا و یاران امپریالیستی اش در کشور و منطقه برای تأمین صلح و ثبات امپریالیستی بخاطر رسیدن به اهدافش که در فوق ذکر شده میباشد.

درین حمله وسیع که علیه کشور ما براه انداخته شده کشورهای تاجکستان قرغزستان ازبکستان حتی قزاقستان که هم یاران امپریالیسم روس میباشد نیز به مراکز پایگاهی نظامی امپریالیسم آمریکا و شرکایش تبدیل شده اند؛ به بهانه اینکه ما ازینجا حملات خود را علیه طالب و القاعده انجام میدهم روس و کشورهای مذکور به این عمل امپریالیسم غرب جواب مثبت داده است ولی بعضی اوقات شاکی میشوند و میگویند: که عملیات ضد تروریستی آمریکا و ناتو در افغانستان باید زودتر به پایان برسد امریکاییان و متحدین اش از افغانستان و کشورهای آسیایی میانه خارج شوند. چندین مرتبه درین رابطه گرد هم ایی گروه شالگنهای (کشور های روسیه چین قزاقستان تاجکستان قرغزستان که ازبکستان در ان ناظر بود) از طرف روس و چین دعوت شده تا تصمیم جدیدی را در باره این جنگ ضد تروریستی که در يك تباهی کشور های امپریالیستی جهانی که با تجاوز به افغانستان آغاز شده اتخاذدارند. دولت پاکستان این پا دوی اسبق آمریکا که نیرو های امریمنی تمظیمی طالبی وابسته به آمریکا را در بطن خود پروراند و به کشور ما میفرستاد به فرمان آمریکا کمر خم کرده و به يك پایگاه نظامی حمله بر افغانستان تبدیل شده است. ایران با وجود يك سلسله تحریم های اقتصادی که از طرف آمریکا برانها وضع شده وعده هر نوع هم کاری را در جنگ علیه تروریسم در افغانستان را داد است.

و اما افغانستان که از دوران اوایل قرن ۱۹ به این طرف بین استعمار انگلیس و روس تزاری به آسیایی میانه و هند برطاموی بکار گرفته میشد در اواخر قرن بیستم یکبار دیگر این وظیفه پر مشقت را بدوش کشید یعنی وقتیکه سوسیال امپریالیسم روس بخاطر رسیدن به ابهای گرم هند به کشور تجاوز نمود و افغانستان را برای ۲۵ سال در جنگ خونین جنایت کارانه با خلق و برچم

باند های درنده خوی ارتجاعی اسلا میت (تنظیمی) و طالبان خون اشام غوما در ساخته و به خاک و خون کشاند. حال در اوایل
 عبوری دیگر و یک کین و سایر ملت امریکای شمالی و در آنست اسل سرخمن و در اراض آن ظاهر شده است که دیگر به
 خلیج های بیگم دینلو یک شورا کفاح میهن و نواخته اند امیر و ایالتی و آمریکا و متحدش انگلستان به بهانه جنگ علیه تروریسم قرار
 میگردد تا علیه افغان و کابل و در شراکتی با ایالات فدرال آمریکا و منطقه و کشور وظایف کمونست های افغان بی چیست ؟ جنبش
 کمونیستی افغانستان تکلیف آنک ازین جاسر ایط امیر ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 یکبارگی که در تاحتی قتلوت که بر او ستان و ملذ و صلح میبند امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 سرزب شکول و نجهلو و آلمونی فریاد از آن کیسه ایروالد ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 تا فخر می و کمونیست و افغانی و ملیتی ۷ او در میروایح امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 رهبری امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 نورین رو مایط و روی افغانی و ملیتی ۷ او در میروایح امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 یات باشد در ان عمدگی دارد نیروهای نظامی وابسته به شورای نظام جمعی و تنظیم های دیگر بشمول عده از طالبان
 دوباره اجیا و مساح میگردند این نیروهای نظامی فیودال کمبرادور در مناطق مختلف با نیروهای امریکایی انگلیسی
 کانادایی استرالیایی و غیره تحت رهبری نیکوایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 تامین امنیت کابل عده از نیروهای (امیر و ایلیسم لغز میبودند. قوت طالبان القاعده در کشور سرنگون میشود و
 که این خود نتیجه تسلیم در سیستم امریکاییست جهانی به سرکردگی امریکا میباشد. از طرف دیگر در اکثر ولایات
 کشور در گیری بین نیروهای وابسته در دو جناح امریکاییست یعنی امریکاییسم روس و امریکا و متحدین غربی اش
 اوضاع را برای صلح و ثبات امریکاییست منسحب ساخته که این خود بیان تضاد میباشد.

در اوایل برج جنوری سال ۲۰۰۲ تعداد عساکر ۱۷ کشور که اکثر آ اعضا ناتو میباشد بنام نیروهای صلح ملل
 متحد به کشور هجوم میبرد که تعداد آنها به ۱۵۰۰ نفر میرسد. آنان تحت رهبری عساکر انگلیس در شهر کابل میخواستند
 ثبات امریکاییست را برقرار سازند. تعداد عساکر امریکایی در کشور طبق اطلاع جمعی امریکاییست به ۷۸۰ نفر
 بالغ میگردد.

دیده میشود که امریکاییسم به سرکردگی امریکا نیروهای مسلح فیودال کمبرادور اسبق با جمع طالب راسرو
 سامان میدهد و تحت نام اردوی ملی منسجم و متشکل میسازد و هم نماینده گان سیاسی آنان به لویه جرگه دعوت میگردند
 تا یک دولت پوشالی جدیدی را از نماینده گان فیودال کمبرادوری اسبق تکذوکرات های روم امریکا و روس سرو سامان
 دهد. سرمایه گذاری های بحدود ۵۰۰ کشور عمدتاً کشور های امریکاییست. بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای
 بازسازی افغانستان که اندازه آن ۱۰۰ میلیارد دالر امریکایی بالغ میگردد برای دو سال آینده در کنفرانس چاپان و عده داده
 شده است. حکومت پوشالی موقت مصوبه بن که برای شش ماه تعیین گردیده بود در اواخر ماه جون به پایان میرسد. اوبه
 جرگه امپراتوری این سنت فیودالی اسبق که امروز برای امریکاییسم و فیودال کمبرادوران وابسته به ان ها منجیث یک
 وسیله برای تشکیل دولت پوشالی بکار برده میشود. تاریخ ۱۰ جون ۲۰۰۲ آغاز میشود احتمال زیاد دارد یک دولت پوشالی

عبوری دیگری که عین ماهیت حکومت فعلی را داشته است سرهم بندی و در راس آن ظاهر شاه خاین که یکبار دیگر به خلق های ستم دیده کشور ماتحتیمل خواهد شد قرار بگیرد.

با تحلیل فوق اوضاع و شرایط فعلی در جهان، منطقه و کشور وظایف کمونست های انقلابی چیست؟ جنبش کمونستی افغانستان مکلف است این شرایط عینی را بخود درک نماید و بخاطر آماده ساختن شرایط ذهنی خلق های ما یکبار دیگر تاکید می شود که پروسه وحدت جنبش کمونستی کشور را تحت رهنمودهای بی شبهه جآ بخاطر ایجاد یک حزب کمونست واقعی بر پایه اندیشه پروانناریای جهان (مارکسیسم لنینیسم مائوئیسم) هرچه بیشتر تسریع بخشید تا حزب کمونست واقعی منعیث اولین سلاح معجزه آسا بتواند دوسلا ح دیگر انقلابی را بجان تمام نیروهای ضد امپریالیستی و ضدفیودالی را فراخواند تا تحت رهبری حزب کمونیست جنگ خلق را علیه امپریالیسم تجاوزگر تحت رهبری امپریالیسم امریکا و مزدوران فیودال کمپرادور پوشالی آن ها در هر قماش که باشد آغاز و انقلاب دیموکراسی نوین را بخاطر رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم جهانی به پیروزی رساند.

کمیته ای وحدت جنبش کمونیستی
(مارکسیست، لنینیست، مائوئیست) افغانستان

مردم

نوع

در راه

سختی

رکود

تواند

با

مهر آن

پرواز

ت جنبش

ست، ما